

با تعطیلی ورزشگاه شهدای شهر قدس، استقلال به یزد می رود و هنوز تکلیف پرسپولیس مشخص نیست

پایتخت بی سرپناه

ورزشگاه تختی هم بیشتر به یک طرح آزمایشی ناتمام شبیه است، مدیران استقلال چمدان‌ها را به مقصد یزد بستند، یزد شهری که تا همین چند ماه پیش در نقشه سطح اول فوتبال ایران جای ثابتی نداشت، حالا با ورزشگاه شهید نصیری تبدیل به منتهی‌الیه‌ای پایتخت شده است.

تصویر استقلال در یزد، تصویری عجیب است. از یک سو، همت مسئولان یزدی برای آماده‌سازی یک استادیوم آبرومند در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحسین برانگیز است؛ آنها نشان دادند که اگر اراده‌ای باشد، می‌شود گیت‌های بلیت‌فروشی، نور استاندارد و چمن باکیفیت داشت. اما از سوی دیگر، این یک شکست مدیریتی برای پایتخت است.

تصویر استقلال در یزد، تصویری عجیب است. چطور ممکن است در سال ۲۰۲۶ میلادی (۱۴۰۴ شمسی)، باشگاهی با میلیون‌ها هوادار و بودجه‌های میلیاردی، آواره باشد؟ این تنها یک سوال ورزشی نیست، بلکه یک بن‌بست زیرساختی است



فریاد می‌کشند، حالا باید برای دیدن بازی تیم محبوب‌شان، رنج سفر ۷۰۰ کیلومتری را به جان بخرند یا از پشت صفحه تلویزیون، غربت تیم‌شان را تماشا کنند.

چطور ممکن است در سال ۲۰۲۶ میلادی (۱۴۰۴ شمسی)، باشگاهی با میلیون‌ها هوادار و بودجه‌های میلیاردی، آواره باشد؟ این تنها یک سوال ورزشی نیست، بلکه یک بن‌بست زیرساختی است. انتقال بازی استقلال و تراکتور به یزد، بازمهمای برگزاری بازی‌های آسیایی در دل کویر، نشان‌دهنده فروپاشی مفهوم میزبانی در فوتبال ایران است. استقلال در یزد قطعاً با استقبال گرم مردم خونگرم آن دیار روبرو خواهد شد، اما حق میزبانی یعنی فشار جمعیت در استادیوم خانگی، یعنی تمرین در زمین همیشگی و یعنی خوابیدن باز بکن در تختخواب خودش شب قبل از مسابقه. استقلال تمام این‌ها را باخته است.

این اتفاقات، اعتبار فوتبال ما را در قاره آسیا به سخره گرفته است. وقتی رقابتی عربستانی و قطری با استادیوم‌های پیشرفته و مجهز به سیستم‌های خنک‌کننده به میدان می‌آیند، نماینده ایران باید نگران باشد که بالاخره ورزشگاهی برای میزبانی پیدا می‌کند یا خیر! این یک نقد جدی به متولیانی است که سال‌هاست بازسازی ورزشگاه آزادی را به یک پروژه

فرسایشی تبدیل کرده‌اند و ورزشگاه‌های جایگزین را هم به حال خود رها کردند تا در شب مسابقه، خودش به چشم هوادار برود.

حالا استقلال تکلیفش روشن است؛ آنها یزد را به عنوان پناهگاه انتخاب کرده‌اند تا شاید زیر آفتاب

کوپر، یخ ناکامی‌های‌شان آب شود. اما این سکه یک روی دیگر هم دارد. حالا تمام نگاه‌ها از کمپ ناصر حجازی به سمت ساختمان باشگاه پرسپولیس چرخیده است. پرسپولیس هم دقیقاً در همین بن‌بست گرفتار شده است. با تعطیلی شهر قدس و

آریا طاری

در روزگاری که آسمان خراش‌های تهران هر روز بلندتر می‌شوند و ویترین‌های مال‌های بزرگش پرزرق‌وبرق تر، فوتبال این شهر به روزی افتاده که باید کوله‌پشتی‌اش را ببندد و در جاده‌ها به دنبال یک تکه چمن بگردد. داستان این هفته‌های استقلال، داستانی است که هم بوی نوستالژی سفرهای دور و دراز را می‌دهد و هم طعم تلخ یک سئو-مدیریت تاریخی. تیمی که عنوان یکی از پرطرفدارترین تیم‌های ایران را یدک می‌کشد، حالا پادشاهی است که تختش را از او گرفته‌اند و در میانه زمستان ۱۴۰۴، برای میزبانی از رقبایش، دست‌نیز به سوی شهر یادگیرها دراز کرده است.

شهر قدس حداقل برای ۶ هفته پلمب شد تا شاید فرجی شود و چمنش دوباره رنگ سبز به خود ببیند. اما برای تیمی مثل استقلال که در کوران مسابقات نیم‌فصل دوم و رقابت‌های حساس آسیایی است، ۶ هفته یعنی یک عمر. این تعطیلی، تیر خلاصی بود بر پیکر نیمه‌جان میزبانی در تهران. شهری با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت، حالا برای برگزاری یک مسابقه فوتبال استاندارد، فلج شده است.

در حالی که ورزشگاه آزادی همچنان در میان داربست‌ها و وعده‌های به زودی محیوس شده و

اجتماعی محافظه کاران و تیم ترامپ را با مشکل روبرو کند.

خطر بن‌بست تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی رانیز به همراه دارد.

در سیاست خارجی، اختلافات علنی میان قوه مجریه و مقننه، تصویر آمریکا را به عنوان بازیگری منسجم و قابل پیش‌بینی تضعیف می‌کند. متحدان واشنگتن ممکن است نسبت به تعهدات آمریکا دچار تردید شوند و قیای آن، این شکار افرصتی برای آزمون خطوط قرمز ایالات متحده‌بانند.

حالا سوال این است که واکنش احتمالی دونالد ترامپ چه خواهد بود؟ تجربه دوره نخست ریاست جمهوری او نشان می‌دهد که ترامپ در برابر تلاش‌ها برای محدود کردن اختیاراتش، معمولاً رویکردی تهاجمی اتخاذ می‌کند. او احتمالاً اقدامات کنجی را «سیاسی کاری» و «تضعیف امنیت ملی» خواهد خواند و می‌کوشد با انکا به پایگاه رای خود، افکار عمومی را علیه دموکرات‌ها بسیج کند. در عین حال، بعید نیست کاخ سفید با استفاده از تفسیرهای حقوقی موسع و اقدامات نمادین، تلاش کند تا ابتکار عمل را حفظ کند.

در مجموع، حمله به ونزوئلا و بازداشت مادورو به نقطه عطفی در دولت دوم ترامپ تبدیل شده است. نقطه‌ای که در آن، مناقشهای قدیمی درباره جنگ و صلح بار دیگر به مرکز توجه بازگشته است. نتیجه این جدال نه تنها مسیر سیاست خارجی آمریکا، بلکه آینده توان قدرت در نظام سیاسی این کشور رانیز رونق خواهد داد. مسیری که پیامدهای آن فراتر از مرزهای ایالات متحده و ونزوئلا قابل مشاهده خواهد بود.

پیامدهای سیاسی تقابل کنگره و ترامپ

واقعیت این است که تداوم تنش میان کنگره و کاخ سفید بر سر ونزوئلا، پیامدهای قابل توجهی برای سیاست داخلی و خارجی آمریکا خواهد داشت. در عرصه داخلی، سیاسی، کاهش اعتماد عمومی به نهادها و تبدیل سیاست خارجی به ابزاری برای رقابت انتخاباتی منجر شود و اگر کنگره موفق به تصویب محدودیت‌های جدید شود، این اقدام می‌تواند به الگویی برای مهار اقدامات نظامی آینده رؤسای جمهور تبدیل شود. اما هم‌زمان

تجربه دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ نشان می‌دهد که او در برابر تلاش‌ها برای محدود کردن اختیاراتش، معمولاً رویکردی تهاجمی اتخاذ می‌کند و احتمالاً اقدامات کنگره را «سیاسی کاری» و «تضعیف امنیت ملی» خواهد خواند. او می‌کوشد با انکا به پایگاه رای خود، افکار عمومی را علیه دموکرات‌ها بسیج کند.

بی‌اثر کند که از نظر آنها ادامه این روند می‌تواند به معنای بی‌اهمیت‌دگستن کنگره در چارچوب دموکراسی سیاسی ایالات متحده منجر شود و حتی اعتماد عمومی در داخل و خارج از آمریکا را کاهش دهد.

از منظر دموکرات‌ها، طرح محدودسازی اختیارات جنگی نه تنها پاسخی به یک عملیات خاص، بلکه تلاشی برای بازگرداندن توازن قوا در نظام سیاسی آمریکا است. حمایت برخی جمهوری خواهان مانند «ند پال» از این طرح نشان می‌دهد که دغدغه مهار قدرت اجرایی، فراتر از خطوط حزبی نیز طرفدارانی دارد.

عامل مهم دیگر، بعد انتخاباتی این مناقشه حزبی بوده که جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را روبرو هم قرار داده است. دموکرات‌ها تلاش می‌کنند تا نشان دهند که ترامپ برخلاف شعار «اول آمریکا»، بار دیگر کشور را در گیر ماجراجویی خارجی کرده است. واکنش‌های چهره‌هایی چون بیت بوتیچ، جی‌پی پز و تریز و کمیته ملی دموکرات‌ها، همگی در راستای پیوند زدن سیاست خارجی ترامپ با مشکلات اقتصادی و معیشتی داخلی است. پیوندی که می‌تواند در بسیج رای‌دهندگان ناراضی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند و به نوعی پایگاه

قانونگذاران آمریکا پس از حمله به ونزوئلا برای محدودیت اختیارات ترامپ دست به کار شدند؛

شکاف حزبی در واشنگتن برای کنترل فرمان جنگ



نظامی گسترده به کنگره سپرده شده است، اما در دهه‌های اخیر، روسای جمهور با تفسیر موسع از اختیارات خود، بارها این مرز را کمرنگ کرده‌اند. در دولت دوم ترامپ این نگرانی تشدید شده است. ترامپ آشکارا اعلام کرده که برای

حمله به ونزوئلا نیازی به مجوز کنگره نداشته است. این اقدام را «کوتاه و محدود» توصیف کرده است. منتقدان اما هشدار می‌دهند که همین استدلال می‌تواند به بهانه‌ای برای اقدامات بعدی تبدیل شود و عمل‌انقش نظارتی کنگره را

داشته است و حالا نیز بیم تکرار این مسائل در آمریکای لاتین با محوریت ونزوئلا وجود دارد. در مقابل، جمهوری خواهان عمدتاً از اقدام ترامپ حمایت کردند. به عنوان مثال مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان، مدعی شد که مادورو مسئول شبکه‌های گسترده قاچاق مواد مخدر بوده و عملیات آمریکا اقدامی مشروع برای حفاظت از جان شهروندان آمریکایی است. این موضع‌گیری هانشناس می‌دهد که شکاف ایجاد شده، صرفاً اختلاف حزبی نیست، بلکه به برداشت‌های متضاد از امنیت ملی، نقش آمریکا در جهان و حتی تعریف «تهدید» بازمی‌گردد.

در این راستا باید توجه داشت که جلسات توجیهی دولت ترامپ برای قانون‌گذاران نیز نتوانست این شکاف را ترمیم کند. بسیاری از سناتورها و نمایندگان دموکرات پس از این جلسات اعلام کردند که پاسخ روشنی درباره اهداف نهایی آمریکا در ونزوئلا، آینده اداره این کشور و احتمال اعزام نیرو در یافت نکرده‌اند. به گفته شومر، نقشه دولت ترامپ برای ونزوئلا «میهم، آرزومندانه و غیر قابل اطمینان» است؛ توصیفی که نشان‌دهنده بی‌اعتمادی عمیق نسبت به رویکرد کاخ سفید در مورد پرونده کاراکاس دارد.

در حالی که دولت ترامپ این اقدام را بخشی از «اجرای قانون» و مبارزه با قاچاق مواد مخدر معرفی می‌کند، مخالفان آن را مصداق روشن نقض قانون اساسی و بی‌تعمیلی به نقش کنگره در تصمیم‌گیری‌های حیاتی امنیتی می‌دانند. همین اختلاف‌نگانه، ونزوئلا را از یک پرونده خارجی به مسئله‌ای محوری در سیاست داخلی آمریکا تبدیل کرده است؛ مسئله‌ای که هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای و رقابت‌های زود هنگام ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸، ابعاد سیاسی پررنگ‌تری به خود گرفته است.

آریا طاری

حمله نظامی ایالات متحده به ونزوئلا و بازداشت نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور، به دستور مستقیم دونالد ترامپ که در نهایت منجر به انتقال وی به نیویورک برای محاکمه ملی شد، یکی از جنجالی‌ترین و بحث‌برانگیزترین اقدامات سیاست خارجی آمریکا در سال‌های اخیر به شمار می‌رود؛ اقدامی که نه تنها پیامدهای امنیتی و ژئوپلیتیکی گسترده‌ای در آمریکای لاتین داشته و نگرانی‌های امنیتی زیادی را برای کشورهای این حوزه به وجود آورده است، بلکه در داخل ایالات متحده نیز شکافی عمیق در ساختار قدرت و میان دو حزب اصلی سیاسی (دموکرات و جمهوری خواهان) ایجاد کرده است. این عملیات که هم‌زمان با انتقال مادورو به نیویورک برای محاکمه در دادگاه فدرال انجام شد، به سرعت به محور مناقشهای تازه درباره حدود اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا در آغاز و اداره عملیات نظامی بدل شده و حالا نه تنها سیاستمداران و مقامات امنیتی و نظامی علیه او موضع گرفته‌اند، بلکه حقوقدانان هم در این راستا بلب‌بسته‌اند از رئیس‌جمهور ایالات متحده گشوده‌اند.

در حالی که دولت ترامپ این اقدام را بخشی از «اجرای قانون» و مبارزه با قاچاق مواد مخدر معرفی می‌کند، مخالفان آن را مصداق روشن نقض قانون اساسی و بی‌تعمیلی به نقش کنگره در تصمیم‌گیری‌های حیاتی امنیتی می‌دانند. همین اختلاف‌نگانه، ونزوئلا را از یک پرونده خارجی به مسئله‌ای محوری در سیاست داخلی آمریکا تبدیل کرده است؛ مسئله‌ای که هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای و رقابت‌های زود هنگام ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸، ابعاد سیاسی پررنگ‌تری به خود گرفته است.

بازداشت مادورو و فعال شدن شکاف نهادها در واشنگتن

تحولات ونزوئلا بلافاصله واکنش‌های گسترده‌ای طی روزهای اخیر در کنگره آمریکا برانگیخت. جاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات در سنای آمریکا روز گذشته (سه‌شنبه) اعلام کرده که دولت دونالد ترامپ بدون کسب مجوز از کنگره دست به حمله نظامی زده و بدین ترتیب، قانون اختیارات جنگ را نقض کرده است. به گفته شومر، این نخستین بار نیست که روسای جمهور آمریکا تلاش می‌کنند نقش کنگره را در چنین تصمیم‌هایی به حاشیه برانند، اما اقدام اخیر ترامپ از نظر دامنه و پیامد، رنگ خطری جدی محسوب می‌شود.

برنی سندرز، سناتور مستقل ایالات ورومنت نیز با بازداشت رئیس‌جمهور یک کشور خارجی را «غیرقانونی و مغایر با قانون اساسی» توصیف کرد و هشدار داد که ورود آمریکا به پروژه‌های «تغییر رژیم» نه تنها امنیت جهانی را افزایش نمی‌دهد، بلکه می‌تواند ایالات متحده را درگیر بحران‌هایی ناساز و پرهزینه کند. از دیدگاه دموکرات‌ها، عملیات ونزوئلا یادآور الگوهای خطرناکی است که پیش‌تر در عراق، افغانستان و لیبی تجربه شده و نتایج فاجعه‌باری به همراه

شرکت آب و فاضلاب استان کرمان

آگهی مناقصه

شماره آگهی: ۲۰۹۱۳۵۹

www.setadiran.ir صورت خواهد پذیرفت، لازم است کلیه مناقصه گران واجد صلاحیت در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس

شرکت آب و فاضلاب استان لرستان در نظر دارد مناقصات عمومی ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. لذا با توجه به اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس

ردیف	عنوان پروژه	بر آورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)	مدت پیمان (ماه)	محل تامین اعتبار	کد فراخوان در سامانه
۱	آبرسانی به مجتمع دو آب شهرستان چگنی	۳۴۸,۲۴۴,۴۰۰,۷۴۶	۱۷,۴۱۲,۲۲۰,۰۳۷	۶	عمرانی	۲۰۰۴۰۰۱۳۴۰۰۰۰۱۲۸
۲	آبرسانی به روستای دره کی شهرستان پلدختر	۶۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۶	عمرانی	۲۰۰۴۰۰۱۳۴۰۰۰۰۱۲۹
۳	تامین ۴۲۹۰۰ متر لوله پلی اتیلن در سازه‌های مختلف	-	۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲	عمرانی	۲۰۰۴۰۰۱۳۴۰۰۰۰۱۳۰
۴	تامین فلومتر ثابت الکترونیکی	-	۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳	عمرانی	۲۰۰۴۰۰۱۳۴۰۰۰۰۱۳۱

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۱۲ ظهر مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ لغایت ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰.

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد قیمت: تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۲.

زمان بازگشایی پاکت: ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۴.

زمان اعتبار پیشنهاد قیمت: ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲.

نوع تضمین: ضمانتنامه بانکی مطابق آخرین بخشنامه تضمین یا فیش واریز وجه

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت (الف):

آدرس: خرم آباد - میدان ۲۲ بهمن - بلوار ولیعصر (عج) - خیابان شهید شفیق پور (۶۰ متری شمالی) - کد پستی: ۶۸۱۷۸۵۵۲۷۱

تلفن: ۰۴۵-۳۳۲۲۵۸۰۴ - ۳۳۲۲۴۴۹۲ - ۳۳۲۲۲۷۴۵ - ۰۶۶

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۲۷۳۱۳۱۳۱ - دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۰۲۱-۸۵۱۹۳۷۶۸

شرکت آب و فاضلاب استان لرستان

قاتل نامرئی در کمین شماست!

هر وسیله گاز سوز باید مجهز به یک دودکش استاندارد و کلاهک H شکل باشد

چرا کنگره به دنبال محدود کردن اختیارات ترامپ است؟

واقعیت این است که اصرار سناتورها و نمایندگان مجلس نمایندگان بر محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ ریشه در تجربه‌های تاریخی و نگرانی‌های حقوقی دارد. طبق قانون اساسی آمریکا، اختیار اعلام جنگ و آغاز عملیات